

## تحلیل روان شناختی چند پارچه اشعار حضرت مولانا جلال الدین بلخی

آموزش های مولانا جلال الدین بلخی در عرصه روان انسان ، که بزبان شعر در قالب های قصه ، حکایه و داستان بیان شده است ، بسیار جالب و در عین حال جامع است. حضرت مولانا همچون روانشناس پر نبوغ و صاحب نظر در شناخت ایتولوژی امراض روانی بشر ، دارای افکار و اندیشه هائی است که بعد از گذشت چندین قرن نه تنها کهنه و مبتذل نگشته بلکه دانشمندان جهان امروزی ، این آموزه های مولانا مورد تائید و تصدیق قرار داده اند. که در نتیجه سازمان فرهنگی ملل متحد ( یونسکو ) سال ( ۲۰۰۷ ) بنام سال مولانا نام گذاری کرد. امروز بسیاری از دانشگاه های دنیا در چوکات پوهنتون های خود کرسی مولانا شناسی را افتتاح کرده اند و تخصص های زیادی را در تشخیص های دقیق و کارشناسانه برای مولوی بلخ ما قایل شده اند. از تشخیص های عرفانی و مذهبی گرفته ( که با توجه به تحصیلات دینی مولوی ، از وی بعید و دور نیست ) تا تخصص در علامت شناسی گروه های مختلف درمانی .

مولانا بدون هیچ گونه تکلف حقیقت انسان واقعی را در چوکات تمثیل ها ( درحقیقت نقد حال ما انسان هاست ) بیان میکند و جویندگان راه حکمت را بسوی سلامتی و شادکامی طبیعی و بروز احساسات لطیف انسانی خردمندانه رهنمائی می نماید. حتی امروزه بعضی از دانشمندان برجسته غربی نیز از آموزش های مولوی در کار روان درمانی استفاده کرده و شیوه های جدیدی بمیان آورده اند مثل مولوی تراپی ، شعر درمانی ، روانشناسی مثبت ، روانشناسی شادی و غیره ...

کاشکی هستی زیانی داشتی

تا ز هستان پرده برمیداشتی

در روانشناسی و تداوی روانی همیشه حرف زدن و زبان به بیان اسرار سرکوب شده که در بسیاری مواقع حتی فراموش مراجع نیز شده است ، یک کلید رهنما برای تشخیص و تداوی پرابلم های روانی است. یعنی از روی حرف مراجع میشود پی به مشکلات روانی وی برد . در این جا در حقیقت این زبان است که پرده از روی شخصیت در پشت نقاب پنهان شده انسان ها بر میدارد و نشان میدهد که متکلم از لحاظ روانی مریض است یا صحت مند ؟ اما بیائید بشنویم که خود حضرت مولانا منحیث یک طبیب حازق روان درین باره چه می فرمایند :

ما طبیبانیم شاگردان حق

بحر قلم دید مارا فانلق

آن طبیبان طبیعت دگرند

که بدل از راه نبضی بنگرند

ما بدل بیوسطه خوش بنگریم

کز فراست ما به اعلی منظریم

در گفتار بالا میبینیم که مولانای طبیب آگاهانه مثل یک مرشد روحانی رفتار میکند و چشم کوتاه بینان و افکار بی بصیران میگشاید تا طبیبان روانی و شیوه کار آنها را بشناسند.

شیدائی انحصاری :

به نظر میرسد حضرت مولانادر قضیه عشق دارای حالت شادمانی پسندیده و انتخابی بوده اند که به آن شیدائی انحصاری نیز گفته اند. این نوع شیدائی حالت خوشی رخوت آوری است که مانع تعقل نیست. و برای دریافت ندای درون ضروری است.

محرم این هوش جز بی هوش نیست

مر زبان را ، مشتری جز گوش نیست

یکی از روان شناسان مشهور دنیا به نام ( ارنست هیلگارد ) در کتاب مقدمه روان شناسی در بحث مربوط به جلوه های دیگر آگاهی و در تشریح حالت های هیپنوز از تجربه خلسه نام میبرد . خلسه البته که ناآگاهی نیست ، بلکه حالات خاصی از تجربه آگاهانه است که برای دریافت این نوع خاصی آگاهی باید به این حد از هوش و هوشیاری رسید. ( ادامه دارد )

